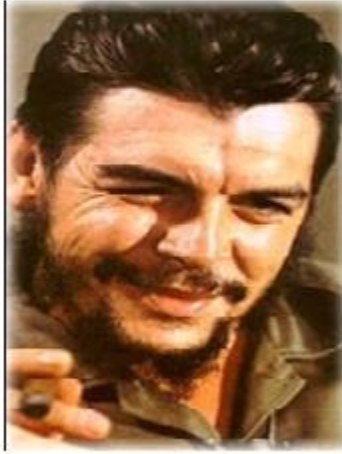


جدال قلم و تفنگ



«اگر با دیدن هر بیعدالتی

پر خشم و قهر شوی

رفیق من هستی.»

چه گوارا

(استاد صباح)

همیشه حرفهایی می ماند برای نگفتن و مقصدهایی برای نرسیدن و آرزوهایی برای برآورده نشدن و اماگر زندگی مجال داد در خدمت خواهم ماند و برایتان خواهم نوشت...
نشریه های ملی و میهنی در شرایطی به مطالبیم همت گماشتن که قلم را تفنگدار به دار می کشید و قلم دار را به زنجیر و زولانه می بستند . تفنگداران ده ها ، صدها و هزاران دسیسه و توطئه چیدند تا قلم هارا شکسته و قلبها را سرد و ساکت بسازند و به این شهکاری نشریه های ملی ، مطلبی تحت عنوان جدال قلمدار و تفنگدار را تقدیم نموده و میخواستیم که عزم شان پولادین و راه شان پراز رهرو باد.
بایک آسمان سپاس تا دشتهای بیکران از حوصله مندی و بزرگ اندیشی مسوولین و مدیران مبتکر و خلاق که باتمام کمی ها و کاستی هادر نشر و پخش پژوهشهایم همت گماشته اند ابراز سپاس و قدردانی نمایم و اگر زندگی باقی بود و حوادث امان آرامش را به من بخشید از تک تک دوستان و یاران قدردانی خواهم کرد .

در رفاقت رسم ما جان دادن است

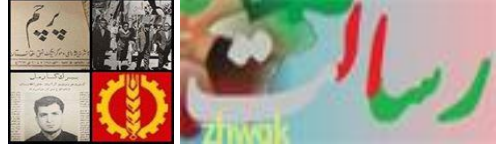
هر قدم را صد قدم پس دادن است

هر که بر ما تب کند جان میدهم

ناز او را هر چه باشد میخریم .

آریایی

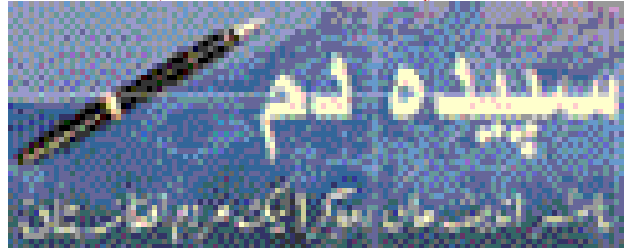
- مرد با جرئت ، ادیب باشهامت ، شخصیت بادیانت و دوست باهمت جناب «عزیز جرئت» موسس و مدیر نشریه آریایی که طی این سالها با آریایی دوست داشتنی و محبوب ، قلم و قدم زده ام و در پخش و نشر نبشته هایم تلاش نموده است ، منت گزار هستم و تا حدود توان به پیش خواهم رفت و به قول معروف حق دوستی را ادا خواهم کرد . به آقای جرئت سعادت و طول عمر آرزو دارم .



- رسالت و رسالتداران بي باک ، راه پرچمداران پاک ، رسالت و راه پرچم - نشریه رسالتمدان ، همفکران ، هم اندیشان و مبارزين نامدارين مرزوبوم رادرود ميگويم . اين نشریه ها باتمام توان درانعکاس مطالبم پيش قدم بوده اند و سخاوتمندانه کمکم کرده اند ، درود گرمم رانثارراه شان نموده پيروي و بهروزي تمنادارم.



- وبگاه وطن‌دارنشریه اي که متعلق بخود ميدانم و درنشر و آرشیف ساختن نبشته هایم زحمات زيادي متقبل شده اند بي نهايت سپاس مينمايم و به صاحب امتياز ارجمندش و مدير عزتمندش توفيق مي طلبم.



- وب سایت سپیده دم که بدون مبالغه از نخستین همکاران قلمي اش هستم و از شخصیت بزرگ جناب فیضی گرامی و حریف نازنین سپاسگزارم، طی این مدت متفکرانه و حوصله مندانه دین همفکری و همیاری را ادا نموده و نبشته هایم را بدست نشر سپرده اند و درود و سرودم نثار راه شان باد.



- وبگاه دعوت و دوست و یار همیشه وفادارم و محترم بزرگ که بارو حیه ي بزرگ منشی و اخلاق ترقی خواهانه تحقیق و پژوهشهایم را با زتاب داده اند ، ممنونم و مدیونم.

انجمن فرهنگی میهن گوتنبرگ - سویدن

- انجمن فرهنگی و تارنمای میهن و بخصوص از خانم مبارز ، دوراندیش متین و باعفت محترمه انجنیر نور ضیافرین قدردانی مینمایم که سخاوتمندانه مراد نشر نبشته هایم یاری رسانده اند.



- وبگاه های حقیقت و آزادی رو نشریه های ترقی خواهان و عدالت پسندان و مسوولین باشرف این نشریه ها که باتمام مصروفیتها در نشر مطالب من پیش قدم بوده اند ، دستهای پراز لطف شانرا با گرمی می فشارم .



- نشریه های حقیقت به مدیریت دوست ادیب ام سلیم عابد پیمان و دنارنج گل وب پانه به مسوولیت شخصیت بزرگوار این وطن نه تنهادر نشر و پخش مضامین من مودبانه زحمت کشیده اند و بزرگوارانه از نشر مطالب اطمینان داده اند و از بارگاه لایزال به ایشان عمر دراز تمنا دارم .

Homayun.org



- نشریه انترنیتی همایون به مسوولیت دوست عزیزم همایون عزیز که با همه مصروفیت در تدوین و تنظیم مطالب من بزرگی کرده اند ، قلبا سپاسگزاری مینمایم .

The Voice of Afghanistan Women



- خانم باشهامت ، دوست نازنین ، پژوهشگر ارجمند ، خانم شیرین نظری مسوول نشریه انترنیتی و فیسبوکی ، با غیرت و شهامت در پخش تحقیقاتم شب و روز را شناخته اند ، تشکرات خود را به ایشان تقدیم نموده و سرفرازی و بهروزی همیشگی اش را آرزو دارم .



نشریه های زیباخواندنی رسانه نوبه مدیریت دوست گرانمایه نورالدین همسنگرونشریه روشنایی به صاحب امتیازی ادیب اندیشمند ودانشمند ارجمند سراج ادیب ، دلسوزانه ومسوولانه درتنظیم ونشرمضامینم زحمت فراوان متقبل شده اند ودرینجلازایشان سپاس وقدردانی بی حد نموده وموفقیت های مزید شانرامیخواهم

اصالت

- چند باری دوستانی به من گفتند : خوش بودیم که در عقب پرده شما وبگاه اصالت راگردانندگی ومدیريت ميکردید ودررهبريش قرارداشتید واکنون بي تفاوت تردرقبال مطالب نشرشده دراصالت برخوردارميدانيم علت چیست؟؟؟. من خنده ام گرفته بود ومايوس نیزشده بودم ، به این جهت مایوس بودم که دنیایی آزادی ودموکراسی است وهرکسی حق دارد چیزی بگوید وبنویسد...وهم خنده بخاطرآن ، من کجا ومدیريت یک نشریه بزرگی مانند اصالت کجا... وبعدها گفتم این گمان تان ممکن است دقیق نباشد...وهمکاری تاگردانندگی خیلی تفاوت دارد .

اما حدس دوستان تاجای درظاهرقضیه درست بود ، زمانیکه من همکاری رابا اصالت آغازنمودم دوروبر پنج ویانش هزارکلک خورده بود واکنون به اساس زحمت کشتی های مدیر زحمتکش ومبتکر، دوست خوب قدیرفضلی ازیک ونیم میلیون به بالارفته است . من ازصمیم قلب زحمتکشی های ویراتبریک میگویم وآرزودارم که همچنان خلاقانه به پیش برود . نشریه اصالت واقعا جالب وخواندنی است ومن بااصالت نشیب وفرزهای زیادی داشته ام ... واکنون میگویم هیچ زمانی درعقب پرده ومسوولیت این نشریه زیبارانداشته ام وگاهی گاهی چیزهای را اگرنبشته ام به اساس دوستی شخصی بوده است. اما دوست نازنینم محترم فضلی عزیزدرنشر، تنظیم ، ویرایش وپیرایش مطالبم ازنظرزیبایی دراصالت بی نهایت زحمت کشیده اند وهمچنان درهرحالت ازمن وفامیلم احوال گیری نموده اند منت گزارم . یا هو.

مشاجره وجدال قلم داروتفنگ دار



قلم وسیله پر قدرتی است برای ترسیم و تحریر خوبیهاوزشتی ها و حقایق ها ، وقتی در جستجوی حقیقت بر صفحات کاغذ به گردش می آید و واژه ها را ترسیم می کند، خواب را از چشمان دزدان و چپاولگران تفنگدار می رباید. بلی ! ستمگران و دزدان کرسی داربا آن که بزرگترین راه هاوشیوه های سرکوب و ترور شخصیت را در دسترس دارند و با آن که تمامی امکانات اقتصادی ، امنیتی - شخصی و دولتی را در انحصار خود دارند، باز هم از نویسنده، بی دفاع و بی سلاحی، که تنها ابزارش قلم و تنها کارش پژوهش و حقیقت در پرتو واژه هاست، وحشت دارند. قدرت داران جنایت پیشه و در هر مقام و منزلتی که است هیچ چیزی را به اندازه واژگانی که از نوک قلمهای نویسندگان روشن فکر جاری می شود برای خود خطرناک نمی داند و تمام تلاشش نابودی قلم بدست و روشن فکر است.

دشمنان جهاد و مقاومت، عوامل بیگانه، مزدور، مرتد، ملحد و کمونیست نامهای هستند که چپاولگران برای نویسندگان متفکر ، پژوهشگران افشاگر و وطن دوستان برگزیده است.

قتلها، ترورها، به زندان انداختنها و به مهاجرت کشاندن اجباری که نمایش هولناکی از تکاندنده ترین نوع رذالت و ددمنشی و عمق سقوط قدرت پرستان در ورطه بی اخلاقی و بی وجدانی در جنگ همه جانبه علیه نویسندگان اند. تفنگداران از طریق ادارات امنیتی ، پارلمان ، ریاست جمهوری و محاکم با تهدیدهای مکرر نویسندگان ، بر این پندار پوچ هستند که با قتل و ترور و بیرون راندن، چنان ترسی را بر پیکر جامعه مسلط کند که دیگر از ترس قلمها را در غلاف و زبانها را در کام بخشکانند. محاسبه آنان سراسر اشتباه است، اینان هرگز از تاریخ درس نمی گیرند، این حقیقت ساده را نمی فهمند که عمر تفنگ، سرکوب و ترور محدود است. زمانی فرا می رسد که دیگر سرکوب و آدمکشی، نیز قدرت تاثیر خود را از دست می دهد و به ضد خود تبدیل می شود.

تفنگدار:

ز ره پوشم بود امید جانم
اورامستانه هر سومیدوانم
نمایم قتل عام مانند چنگیز
وطن را در غم مردم نشانم .

روشن فکر:

قلم را بیاور تا نویسم
زقا تلان بی حیا نویسم
خیانت و جنایت وطن را
برای تاریخ فردا نویسم.

تفنگدار:

تفنگم را بیاورتو ز خانه
نمانم از قلم داران نشانه
دمار از روزگارشان برآرم
بی ماند یادگاری در زمانه.

روشن فکر:

روم تادهمزنگ و تاگذرگاه
قلم نوبگیرم از فروشگاه
نویسم نامه بر فرزند میهن

اگر سرخ اندوسفیداندوسپاه.

تفنگدار:

گروزین و پکولم را بیارید
به دروازه قصر من گذارید
میان همگی اقوام افغان
تفاق و تخم بدبینی بکارید .

روشنفکر:

کتابی را خریده ام زجاده
چکرزدم بهرسوپای پیاده
یتمان را دیدم درباغ بالا
لب دامن به گدایی نهاده.

تفنگدار:

کجا شد چادر چهارخانه من ؟
چریکهای خوب وجانانه من ؟
روید راکتی سکر را بیارید
گذارید هردورا برشانه من .

روشنفکر:

تفکر بود آنین و کیشم
قلم در دست و کتابم پیشم
قسم خوردم بنام مام میهن
ز درد مرد مم غافل نمیشم.

تفنگدار:

خریدم سالهاچرس شیرکدار
قمار هم میکنم تکراربتکرار
شبها هم میروم بالاله روی
سحرپر خانه کوچه وبازار.

روشنفکر:

شبها از درد وطن مینویسم
زرردی های چمن مینویسم
چرا شده دو عاشق تیرباران؟
ز گذشته شدن زن مینویسم .

تفنگدار:

نمی مانیم ز روشنفکر نشانه
اورانا بود کنیم درین زمانه
دیدي فرخنده را چه کردیم؟

به چه دروغ و فریب و بهانه.

روشنفکر:

بیارویم به سوی خیر خانه
شده فرخنده نامی جاودانه
بیاشب زنده داری هارسیده
نمایم شمع روشن در شبانه.

تفنگدار:

فرستم از تی دل یک صلوات
بگیرم با تفنگم عشروزکات
منم مالک چند پس خانه دالر
سلام و رحمت الله و برکات .

روشنفکر:

بیا با هم یکی گردیم وطندار
بکنیم ریشه جنگ و تفنگدار
بخوانیم نغمه آزاده گی را
به مثل مرهمی درد دل تبار.

تفنگدار:

دهم فتوا که اینان کفر گویند
روند راه حقیقت را بجویند
قلمداران شوند نابود بدستم
دیگروطن وطن هرگز نگویند.

روشنفکر:

خدا انصاف دهد ترا تفنگدار
چرا بستی کمر از پی آزار
بروتوبه بکن دربار خدا
خدایی قادر و جبار و غفار.

تفنگدار:

تفنگم یا ورروزهای سختم
بدون او منم سرد و کرختم
تمام هستی ام از ماشه او
برایم بهتر از طالع و بختم .

روشنفکر:

بیار پایان سر را تا گریبان
بین بر حال مردم پریشان
همه چیز وطن گشته چپاول

دیگر رحمی نماید بریتمان .
تفنگدار:

برویاوه نگو مرد قلم دار
خداده به من دالر بسیار
زدم سنت سرو صورتم را
شوم قربان دریشی گلدار.
روشنفکر:

مبارک با شدت پیرهن آبی
به آن نکتایی سرخ و گلابی
دوچشمانت مثال کاسه خون
همیشه مست باده و شرابی.
تفنگدار:

بود شیرپور قصر آرزویم
تفنگدار دیگر نیز روبرویم
قطار موترها در پیش خانه
گروپ بادیگاردها آبرویم.
روشنفکر:

برو آدم باش ای مرد جفا
مرو دنبال این جفنگ دنیا
نه اجنبی می ارزدونه دالر
توتنها میروی تنهای تنها.
تفنگدار:

تمام خارجی ها افتخارم
از اینان بوجی دالرمیارم
بنام فامیلم دربانک دویی
امانت و پس انداز میگذارم.
روشنفکر:

جفابسیار کرده ای تفنگدار
گرفتی زندگانی و طندار
ترا افشاء نمایم و نویسم
به روزنامه و رادیو و اخبار.
تفنگدار:

مگر تومی نویسی از جفایم؟
خط و نشان می کشی برایم؟
حسابت راکف دستت گزارم

خبرباشي به سراغت ميایم.

روشنفکر:

بکن حرف مرا امروز باور
تو فردا میروی درپیش داور
منم بازمانده مردان بزرگ
شنیدی نام خراسان و خاور؟

تفنگدار:

نه خاورونه باختروخراسان
نه ازبک وهزاره ونه افغان
سلاحم مونسم، پولم وطنم
نه پابندم به اجداد ونیاکان.

روشنفکر:

بده لطفاً سلاحت رابدولت
نمایک باردركارت شرافت
بیاروزي گرفتار میشوي تو
بدست قانون واندرقضاوت.

تفنگدار:

منم با دالرهایم مثل قارون
تمام کارهایم همچوشارون
درینجادولت وقاضي ندیدم
سلاحم بهتر از کتاب قانون.

بایک کهکشان حرمت – صباح دوست همیشگی شما.